

بررسی رابطه اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی با بلوغ عاطفی در فرزندان طلاق و عادی

Investigating the relationship between interpersonal trust and social skills with emotional maturity in divorced and normal children

Mahshid Daneshvar

Master of Clinical Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Mojtaba Sedaghati Fard (Corresponding author)

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran
Email: sedaghati_fard@yahoo.com

مهشید دانشور

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجتبی صدقاتی فرد (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

Email: sedaghati_fard@yahoo.com

Aim: This study aimed to investigate the relationship between interpersonal trust and social skills with emotional maturity in children of divorce and those from intact families.

Method: To achieve the research objectives, a descriptive correlational research design was employed. The statistical sample comprised all children of divorce and those from intact families in the country during the 2021-2022 period, totaling 108 participants: 54 children of divorce and 54 children from intact families, selected through random sampling. Data collection tools included three questionnaires: the Interpersonal Trust Questionnaire by Rempel and Holmes (1986), the Emotional Maturity Questionnaire by Singh and Bhargava (1991), and the Social Skills Questionnaire by Matson et al. (1983). Pearson's correlation and multivariate regression analyses were conducted to analyze the data using SPSS-26 statistical software.

Findings: The results indicated a significant relationship between interpersonal trust and emotional maturity at the 0.01 error level, as well as a significant relationship between social skills and emotional maturity at the same error level. The results of regression analysis revealed that the variables of aggression, peer relationships, appropriate skills, and social skills play a significant role in predicting emotional maturity.

Conclusion: A high level of interpersonal trust and social skills in children may contribute to an increase in their emotional maturity.

Keywords: interpersonal trust, social skills, emotional maturity, divorce.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی با بلوغ عاطفی در فرزندان طلاق و عادی انجام شد. روش: برای دستیابی به اهداف پژوهش از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد. نمونه آماری این پژوهش شامل کلیه فرزندان طلاق و عادی سراسر کشور در سال ۱۴۰۰ بود و تعداد نمونه شامل ۱۰۸ نفر که ۵۴ نفر فرزند طلاق و تعداد ۵۴ نفر فرزند عادی بودند و روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها شامل سه پرسشنامه اعتماد بین فردی رمپل و هولمز (۱۹۸۶)، پرسشنامه بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۱) و پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون و همکاران (۱۹۸۳) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-26 انجام گرفت. یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد بین اعتماد بین فردی و بلوغ عاطفی رابطه معنی داری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد و بین مهارت های اجتماعی و بلوغ عاطفی رابطه معنی داری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، رابطه با همسالان، مهارت مناسب و مهارت های اجتماعی نقش اصلی در پیش بینی بلوغ عاطفی دارند. نتیجه گیری: داشتن سطح بالایی از اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی در فرزندان می تواند منجر به بالا رفتن سطح بلوغ عاطفی در آنان شود.

کلمات کلیدی: اعتماد بین فردی، مهارت های اجتماعی، بلوغ عاطفی، طلاق

مقدمه

خانواده، به عنوان کوچکترین نهاد در جامعه انسانی دارای پایدارترین اثرگذاری را بر اعضای خویش دارد، به طوری که نگرش‌ها، رفتارها، باورها و عواطف افراد عمیقاً تحت تأثیر بستر خانواده است (خدادادی و کلائی، ۱۳۹۹). همچنین بنیان یک خانواده بر پیوند های عاطفی و اعتماد شخصی هر یک از زوجین به یکدیگر استوار است که نه تنها آرامش برای فرد بلکه کل یک خانواده است (وایب و جانسون، ۲۰۱۸). فروپاشی پیوندهای زناشویی از برجسته ترین نمونه های تحولات مرتبط با خانواده ی امروزی است؛ چنانکه خانواده با پدیده های نوظهوری (مانند خانواده تک والدی، خانواده ی تک فرزندی، بی فرزندی و زوج زیستی) مواجه شده که این تحولات در قالب اصطلاحاتی چون «عصر طلاق»^۱ توصیف شده است (فیروزجاییان، ریاحی و محمدی دوست، ۱۳۹۵). طلاق منجر به تغییرات نامطلوب در رفتار یا بهداشت روانی فرد می شود. در بین کودکان، طلاق می تواند بر عملکرد تحصیلی کودک تأثیر منفی بگذارد. به طور خاص، طلاق بر ثبات مالی خانواده، محیط اجتماعی و... (استوکپیک، ۲۰۱۹). اثرات منفی طلاق بر رشد عاطفی اجتماعی اخلاقی و عملکرد تحصیلی فرزندان در پژوهش های بسیاری روشن شده است. بوالهری و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که نمرات جسمانی سازی علائم^۲، اضطراب^۳، اختلال در عملکرد اجتماعی^۴، افسردگی^۵ و اختلال روانی کلی به طور معناداری در فرزندان با والدین مطلقه و متقاضی طلاق بیشتر از فرزندان با والدین عادی بوده و مولفه های اختلال در عملکرد اجتماعی، افسردگی و اختلال روانی کلی در فرزندان با والدین متقاضی طلاق بیشتر از فرزندان با والدین مطلقه است. جدایی برای اعضای خانواده یک عامل استرس زای بسیار قوی است که هم والدین و هم فرزندان را تحت تأثیر قرار می دهد و بهزیستی روان شناختی آنها را به شدت کاهش می دهد. باکر و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافتند که فرزندان خانواده های طلاق در مقایسه با فرزندان خانواده های عادی احساس باخت، تمایل به تلافی و انتقام، احساس ناکامی و تضادهای درونی بیشتری را نشان می دهند.

یکی از عواملی که در کودکان به نظر می رسد تحت تأثیر طلاق والدین باشد بلوغ عاطفی^۶ باشد (سینگ، ۲۰۱۸). کودک زمانی از لحاظ عاطفی بالغ محسوب می شود که کلیه عواطف و احساسات خود را به درستی بشناسد و نحوه ابراز صحیح و کنترل آنها را بداند (ایمانی و محب، ۱۳۹۸). در بلوغ عاطفی، نگرش دیدن محیط بخش مهمی از درک، توانایی فرد در درک محیط و تربیت والدین بوده است (جعفری هرنندی، و رجایی موسوی، ۱۳۹۸). بلوغ عاطفی با افزایش سن به وجود می آید، برخی خیلی زود بالغ می شوند و برخی نیاز به زمان دارند (احمدخان، ۲۰۱۹). بلوغ عاطفی فرآیندی است که از طریق آن شخصیت به طور مداوم برای درک بیشتر سلامت عاطفی، درونی و درونی تلاش می کند (لاندو و ایسلر، ۲۰۱۸). مطالعات نشان دادند والدین نقش قابل توجهی در افزایش ظرفیت عاطفی فرزندان خود دارند که منجر به افزایش انعطاف پذیری^۷ کودکانشان در پاسخ به عوامل استرس زا می گردد. در این میان بلوغ عاطفی مادر می تواند نقش برجسته ای را در زندگی کودک و کنترل مشکلات رفتاری وی ایفا نماید (هیل، دگنان، کالکینز، و

¹ the age of divorce

² physicalization of symptoms

³ anxiety

⁴ social dysfunction

⁵ depression

⁶ emotional maturity

⁷ flexibility

کین، ۲۰۱۶). بلوغ عاطفی در واقع به معنای کنترل عواطف است. افکار فرد در پیوند با محیط، عواطف او را پدید می آورند، به زبان روانشناختی بلوغ عاطفی و روانی توانایی فرد برای پذیرش اشخاص و مسایل به همان شکلی است که هستند، اگر فردی بتواند افکار نادرست و منفی را با افکار درست و مثبت و سازگار جایگزین کند، توانایی کنترل عواطف در او به نحو چشم گیری افزایش می یابد و این امر موجبات بهبود روابط او با اطرافیان را فراهم می سازد (گادرمین و همکاران، ۲۰۱۶). بلوغ عاطفی در واقع به معنای رهبری عواطف خود بوده و افرادی که به بلوغ عاطفی رسیده اند در نشان دادن عواطف خود دچار مشکلاتی نیستند و نشانه های ضعف خود را پنهان نمی سازند، انتقاد پذیر هستند، خلق و خوی ثابتی داشته و مهربان هستند و دارای روابط عمومی بالاتری می باشند. بلوغ عاطفی کمک می کند تا در دام مقایسه نیفتیم و تجربه های ناخوشایند و رشک های مخرب را از خود دور سازیم (یاوری، ۱۳۹۲). بنابراین فردی که از لحاظ عاطفی بالغ است، تمام عواطف خود را می شناسد و نحوه ابراز و کنترل آنها را نیز می داند (تام، ۱۴۰۰). در جریان بلوغ عاطفی، فرد به طور دائم، برای دست یابی به سلامت عاطفی از لحاظ روانی و فردی می کوشد که او را در برابر تأخیر در ارضای نیاز مقاوم می کند (پیست و امین باخانی، ۲۰۱۶). لی^۱ و همکارانی (۲۰۲۰) به این نتایج دست یافتند که سطوح پایین تر بلوغ عاطفی در پسران در سنین جوانی پدید می آید و در دختران در سنین پایین تر و عدم رشد بلوغ عاطفی در هر دو گروه منجر به بالاتر رفتن مشکلات رفتاری در سنین جوانی می گردد.

یکی از عواملی که در فرزندان طلاق قابل بررسی است مفهوم اعتماد بین فردی است. اعتماد یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد. اعتماد بین فردی برای روابط اجتماعی ما ضروری است (تالوار و رنو، ۲۰۲۰). اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می شود که افراد و امور و دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (انگ، ۲۰۱۹). البته اعتماد بین فردی ممکن است گذرا و ناپایدار یا با دوام باشند، این روابط در بافت اجتماع، فرهنگ و در اثر دیگر عوامل شکل می گیرد. یکی از نشانه های سلامت روانی وجود رابطه سالم بین فردی است. روابط گرم و صمیمی با انسان های دیگر منبع اعتماد و آسایش هر انسانی است. هر فرد یک موجود اجتماعی است و توسعه شخصیتش در بافت تعاملات او با دیگر انسان ها تعیین می شود (استاوروا، ۲۰۲۰). به تعبیر رمپل و هولمز^۲ (۱۹۸۶) اعتماد در روابط بین فردی تحت تاثیر سه عامل ۱- پیش بینی پذیری^۳ ۲- قابلیت اعتماد^۴ ۳- وفاداری^۵ قرار می گیرد است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. قابلیت اعتماد بصورت توانایی اعتماد به دیگران در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه تعریف شده و وفاداری نیز به معنای ویژگی ای که فرد را قادر می سازد احساس کند دیگران به حمایت و توجه او ادامه می دهد، است (کولاکو و رندون، ۲۰۱۸).

¹ Li

² Rempel & Holmes

³ predictability

⁴ reliability

⁵ loyalty

توانایی کودکان در برقراری ارتباط دوستانه با دیگران در یک محیط اجتماعی برای رشد آنها بسیار مهم است (دونگ و همکاران، ۲۰۲۰). پس بدین ترتیب یکی دیگر از عواملی که بلوغ عاطفی کودکان می‌تواند روی آن تاثیر گزار باشد مهارت‌های اجتماعی کودکان است. مهارت‌های اجتماعی عامل مهمی برای برقراری روابط صحیح در بین انسانها است (مندز و همکاران، ۲۰۲۰). مهارت‌های اجتماعی عموماً مجموعه رفتارهای اکتسابی و جامعه‌پسندی هستند که کودک را قادر می‌سازند با دیگران رابطه مؤثری داشته باشد و از عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی خودداری نماید (گرشام و همکاران، ۲۰۱۶). مهارت‌های اجتماعی به افراد اجازه می‌دهند که تعامل اجتماعی مثبتی را با دیگران شروع کرده و تداوم بخشند. این مهارت‌ها شامل برقرار کردن ارتباط، حل مسئله، تصمیم‌گیری، مدیریت خود و ارتباط با همسالان هستند (انجلس و همکاران، ۲۰۱۸). مهارت‌های اجتماعی بویژه برای کودکان و نوجوانان جهت برقراری روابط مناسب با دیگران، رعایت قواعد اجتماعی، پذیرش مسئولیت، مساعدت و همکاری، کمک به دیگران و رعایت حقوق آن‌ها مهم قلمداد می‌شود (شهیم، ۱۳۹۹). مهارت‌های اجتماعی مناسب نوجوانان را قادر می‌سازند تا روابط مثبت و قوی با همسالان داشته باشند و در محیط‌های مختلف مانند مدرسه و محیط کار موفق باشند. نتایج پژوهش منصورنژاد و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که داشتن مهارت‌های ارتباطی می‌تواند بر بالا رفتن بلوغ عاطفی دانشجویان موثر باشد. کالمرس و تونسنده^۱ (۲۰۱۹)، مشاهده کردند نوجوانانی که دارای مهارت‌های اجتماعی قوی هستند، با احتمال بیشتری توسط همسالان پذیرفته می‌شوند، دوستی‌ها را گسترش می‌دهند، روابط قوی‌تری را با همسالان و والدین دارند، به عنوان افراد کارآمد در حل مسئله در نظر گرفته می‌شوند، علاقمندی بیشتری در مدرسه نشان می‌دهند و عملکرد بهتری از لحاظ تحصیلی خواهند داشت. بدین ترتیب در این پژوهش سعی شده رابطه بین اعتماد بین فردی و مهارت‌های اجتماعی با بلوغ عاطفی در فرزندان طلاق و عادی مورد بررسی قرار گیرد بدین ترتیب مسئله ما از انجام پژوهش این است که آیا بین اعتماد بین فردی و مهارت‌های اجتماعی با بلوغ عاطفی در فرزندان طلاق و عادی رابطه وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه فرزندان طلاق و فرزندان عادی در سراسر کشور در سال ۱۴۰۰ بود. روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد که شامل ۱۰۸ نفر از فرزندان که ۵۴ نفر آنان فرزند طلاق و ۵۴ نفر فرزند عادی بود. به علت گسترش و شیوع کرونا امکان حضور در مدارس، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی و بسیاری از مکان‌های مرتبط میسر نبود، لذا از پرسشنامه‌ها به صورت مجازی و آنلاین استفاده شد و در تمامی گروه‌ها و کانال‌های موجود در سراسر کشور ارسال شد.

¹ Chalmers & Townsend

ابزار

پرسشنامه بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۱)^۱: این پرسشنامه دارای ۴۸ سوال بوده و توسط سینگ و بهارگاوا در سال (۱۹۹۱) تدوین شده است. هدف آن بررسی ۵ بُعد مختلف بلوغ عاطفی شامل عدم ثبات عاطفی (۱۰ سوال)، بازگشت عاطفی (۱۰ سوال)، فروپاشی شخصیت (۱۰ سوال)، ناسازگاری اجتماعی (۱۰ سوال) و فقدان استقلال (۸ سوال) می باشد. سازندگان این آزمون پایایی این مقیاس را با روش آزمون-بازآزمون روی دانشجویان در فاصله ۶ ماهه اندازه گیری نمودند و همبستگی گشتاوری این دو اجرا ۰/۷۵ گزارش شد. در ایران شریفی ریگی (۱۳۹۷) همسانی درونی این مقیاس را با محاسبه ضریب همبستگی های بین کل نمرات و نمرات زیرمقیاس ناپایداری هیجانی ۰/۷۵، بازگشت عاطفی ۰/۶۳، ناسازگاری اجتماعی ۰/۵۸، فروپاشی شخصیت ۰/۸۶ و نبود استقلال ۰/۴۲ به دست آورده است. همچنین روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری بیکر و سیریک^۲ (۱۹۸۴) برای دانشجویان ۰/۶۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، میزان پایایی کل این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و برای زیرمقیاسهای عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷، ۰/۹۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون^۳ (۱۹۸۳): این پرسشنامه توسط ماتسون و همکاران (۱۹۸۳) برای بخش مهارت های اجتماعی افراد تدوین شده است. این مقیاس دارای ۵۶ عبارت است که بر اساس یک شاخص ۵ درجه ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه ای از نمره ۱ هرگز تا نمره ۵ همیشه، تنظیم شده است. این پرسشنامه دارای ۵ خرده مولفه مهارت های مناسب، رفتار، پرخاشگری، برتری، رابطه با همسالان می باشد. در ایران، یوسفی و خیر (۱۳۸۱) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مهارتهای اجتماعی را در سال ۱۳۸۱ برابر با ۰/۸۶ گزارش کرده اند. اعتبار این پرسشنامه در تحقیق بیابانگرد در سال ۱۳۸۴ برابر با ۰/۸۳ گزارش شده است.

پرسشنامه اعتماد در روابط بین فردی رمپل و هولمز (۱۹۸۶): پرسشنامه اعتماد در روابط بین فردی رمپل و هولمز در سال ۱۹۸۶ نسخه تجدید نظر شده مقیاس رمپل، هولمز و زانا در سال ۱۹۸۵ است. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی ۱۸ عبارتی است و آزمودنی باید در مقیاس ۷ درجه ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان مخالفت تا موافقت خود را با هر یک از عبارات مشخص کند. این پرسشنامه دارای ۳ خرده مولفه پیش بینی، قابلیت و وفاداری می باشد در پژوهش زرگر باشی (۱۳۹۷) اعتبار زیر مقیاس های به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۲ و اعتبار کلی ۰/۸۸ مشخص شد.

ملاحظات اخلاقی در این مطالعه کاملاً رعایت گردید به گونه ای که به شرکت کنندگان در زمینه محرمانه ماندن اطلاعات، اطمینان خاطر داده شد و آنها با رضایت کامل، پرسشنامه ها را در محیطی آرام و بدون ذکر نام تکمیل کردند. پس از جمع آوری داده ها، به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

¹ Singh and bhargava emotional maturity questionnaire

² Baker & Siryk

³ Matson social skills questionnaire

یافته‌ها

جدول ۱ توصیف بلوغ عاطفی، مهارت‌های اجتماعی و اعتماد در روابط بین فردی و مولفه‌های آن بین دو گروه فرزندان طلاق و عادی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
عدم ثبات عاطفی	۲۸/۳۳	۷/۱۷	۰/۳۸۲	-۰/۳۳۴
بازگشت عاطفی	۳۰/۷۸	۸/۱۱	۰/۱۲۰	-۰/۴۳۶
فروپاشی شخصیت	۳۱/۶۸	۶/۹۳	-۰/۵۲۳	-۰/۱۵۸
ناسازگاری عاطفی	۳۵/۷۶	۶/۹۴	-۰/۱۷۹	-۰/۷۰۲
فقدان استقلال	۲۸/۲۸	۳/۸۴	-۰/۴۶۶	-۰/۸۴۸
بلوغ عاطفی	۱۵۴/۸۳	۲۷/۵۶	-۰/۱۰۲	۰/۳۴۳
مهارت‌های مناسب	۱۸/۴۱	۵/۷۳	۱/۷۱۳	۱/۱۲۴
رفتار	۱۸/۴۰	۵/۷۲	۰/۴۷۲	۰/۵۲۱
پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۲۳/۷۸	۶/۱۳	۰/۸۳۲	۰/۴۹۵
برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود	۱۶/۶۷	۵/۴۳	۰/۵۳۱	-۰/۱۱۳
رابطه با همسالان	۲۶/۰۵	۴/۹۷	۰/۱۶۲	-۰/۰۷۲
مهارت‌های اجتماعی	۱۵۷/۲۴	۱۷/۰۹	۱/۳۳	۱/۹۹۲
پیش‌بینی پذیری	۱۹/۴۴	۵/۰۶	-۰/۴۶۴	۰/۴۱۳
قابلیت اعتماد	۱۹/۸۵	۶/۹۶	۰/۰۱۰	۰/۱۲۴
وفاداری	۳۲/۳۷	۸/۸۸	۰/۱۱۶	-۰/۲۸۲
اعتماد در روابط بین فردی	۷۱/۶۷	۱۵/۳۶	-۰/۳۹۵	۰/۷۰۷
عدم ثبات عاطفی	۳۶/۲۶	۷/۰۴	-۰/۳۶۵	-۰/۵۶۹
بازگشت عاطفی	۳۸/۰۷	۷/۸۰	-۰/۴۲۰	-۰/۸۴۱
فروپاشی شخصیت	۳۶/۷۶	۵/۸۱	-۰/۷۹۱	۰/۸۵۷
ناسازگاری عاطفی	۴۱/۳۱	۷/۲۶	-۰/۵۶۸	-۰/۶۴۷
فقدان استقلال	۲۸/۷۲	۴/۱۸	-۱/۲۶	۱/۵۰۲
بلوغ عاطفی	۱۸۱/۱۳	۲۸/۶۱	-۰/۶۵۸	-۰/۰۸۹
مهارت‌های مناسب	۱۷/۷۴	۶/۵۱	۱/۴۲	۱/۴۲۲
رفتار	۱۷/۵۴	۵/۵۸	۱/۲۶	۰/۶۱۲
پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۲۰/۳۷	۷/۱۶	۱/۵۸	۰/۸۷۹
برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود	۱۶/۱۸	۵/۴۹	۰/۶۶۵	۰/۴۰۸
رابطه با همسالان	۲۴/۷۲	۴/۶۰	-۰/۱۱۱	۰/۷۶۴
مهارت‌های اجتماعی	۱۵۲/۳۳	۱۹/۴۹	۰/۶۲۷	۰/۴۳۸
پیش‌بینی پذیری	۱۹/۶۳	۴/۰۹	-۰/۳۹۰	۰/۰۵۵
قابلیت اعتماد	۲۱/۴۶	۶/۰۷	-۰/۴۴۰	۰/۷۶۰
وفاداری	۳۳/۹۱	۷/۷۶	-۰/۵۵۶	۰/۶۷۰
اعتماد در روابط بین فردی	۷۵/۰۰	۱۲/۳۷	-۰/۹۳۳	۱/۳۱۶

فرزندان طلاق

فرزندان عادی

بررسی میانگین‌ها نشان داد که میانگین بلوغ عاطفی در فرزندان طلاق برابر با ۱۵۴/۸۳ و در فرزندان عادی برابر با ۱۸۱/۱۳ بدست آمده است که نشان می‌دهد میانگین بلوغ عاطفی در فرزندان عادی بالاتر از فرزندان طلاق است. مقایسه میانگین‌ها مولفه‌ها نشان می‌دهد میانگین ۵ مولفه عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال در فرزندان عادی بیشتر از فرزندان طلاق است. بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد در تمامی مولفه‌های بلوغ عاطفی میانگین بدست آمده برای فرزندان عادی بالاتر از فرزندان طلاق است. بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین مهارت‌های اجتماعی در فرزندان طلاق برابر با ۱۵۷/۲۴ و در فرزندان عادی برابر با ۱۵۲/۳۳ بدست آمده است که نشان می‌دهد میانگین مهارت‌های اجتماعی در فرزندان طلاق مقداری بیشتر از فرزندان عادی است. مقایسه میانگین مولفه‌ها نشان می‌دهد میانگین ۴ مولفه سوءاستفاده عاطفی، سوءاستفاده فیزیکی،

غفلت عاطفی و غفلت جسمی در فرزندان طلاق بیشتر از فرزندان عادی است و فقط میانگین مولفه مهارت های اجتماعی مناسب در فرزندان عادی بالاتر از فرزندان طلاق است. بررسی میانگین ها نشان می دهد که اعتماد در روابط بین فردی در فرزندان طلاق برابر با ۷۱/۶۷ و در فرزندان عادی برابر با ۷۵/۰۰ بدست آمده است که نشان می دهد میانگین اعتماد در روابط بین فردی در فرزندان عادی بیشتر از فرزندان طلاق است. مقایسه میانگین مولفه ها نشان می دهد میانگین هر سه مولفه پیش بینی پذیری، قابلیت اعتماد و وفاداری در فرزندان عادی بیشتر از فرزندان طلاق است. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان داد دامنه مقادیر کجی و کشیدگی بلوغ عاطفی و مولفه های آن، مهارت های اجتماعی و مولفه های آن، اعتماد در روابط بین فردی و مولفه های آن در دامنه +۲ تا -۲ بدست آمده است که نشان دهنده نرمال بودن شکل توزیع داده هاست.

جدول ۲ ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در گروه فرزندان طلاق و عادی

گروه	متغیرها	بلوغ عاطفی	فقدان	ناسازگاری	فروپاشی	بازگشت	عدم ثبات
طلاق	پیش بینی	۰/۳۴۸*	۰/۰۱۳	۰/۳۲۶*	۰/۳۱۳*	۰/۳۵۴**	۰/۳۲۵*
	قابلیت	۰/۰۸۵	۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۰/۰۹۸	۰/۰۸۷	۰/۱۶۶
	وفاداری	۰/۰۱۹	۰/۰۶۹	۰/۰۰۴	۰/۰۲۰	۰/۰۲۸	۰/۰۶۱
	اعتماد روابط بین فردی	۰/۰۶۵	۰/۱۰۵	۰/۰۸۷	۰/۰۴۷	۰/۰۶۱	۰/۰۰۳
	مهارت مناسب	۰/۳۸۰**	۰/۲۲۲	۰/۳۴۸**	۰/۱۰۳	۰/۴۳۵**	۰/۴۱۴**
	رفتار	۰/۳۸۷**	۰/۲۱۹	۰/۳۱۴*	۰/۳۴۷*	۰/۳۱۳*	۰/۳۴۵*
	پرخاشگری	-۰/۶۹۵**	-۰/۳۸۸**	-۰/۶۲۶**	-۰/۵۸۲**	-۰/۶۶۶**	-۰/۵۴۳**
	برتری	۰/۱۸۶	۰/۲۱۱	۰/۱۰۹	۰/۳۷۷**	۰/۱۱۷	۰/۰۰۱
	رابطه با همسالان	۰/۲۷۷*	۰/۱۵۸	۰/۳۱۱*	۰/۲۴۶	۰/۱۸۷	۰/۲۲۹
	مهارت های اجتماعی	۰/۲۹۶*	۰/۱۹۷	۰/۲۵۴	۰/۴۵۷**	۰/۱۸۳	۰/۱۳۹
عادی	پیش بینی	۰/۰۷۷	۰/۰۹۱	۰/۰۹۵	۰/۱۲۹	-۰/۰۰۹	۰/۰۶۵
	قابلیت	۰/۰۴۷	۰/۰۶۰	۰/۱۲۰	۰/۱۳۰	۰/۰۱۶	۰/۱۹۳
	وفاداری	-۰/۰۵۴	۰/۰۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۶۸	۰/۰۲۸	۰/۱۲۴
	اعتماد روابط بین فردی	۰/۰۳۲	۰/۰۱۲	۰/۰۷۴	۰/۱۴۹	۰/۰۲۸	۰/۱۵۱
	مهارت مناسب	۰/۳۴۲*	۰/۴۱۲**	۰/۲۳۹*	۰/۳۸۲**	۰/۲۷۲*	۰/۲۲۸
	رفتار	۰/۵۴۶**	۰/۴۰۶**	۰/۵۴۳**	۰/۴۰۰**	۰/۴۸۹**	۰/۵۴۵**
	پرخاشگری	-۰/۵۸۰**	-۰/۳۵۲**	-۰/۵۵۳**	-۰/۴۴۱**	-۰/۵۶۲**	-۰/۵۹۱**
	برتری	۰/۱۹۴	۰/۳۳۴*	۰/۰۴۱	۰/۳۱۲*	۰/۱۹۹	۰/۰۶۹
	رابطه با همسالان	۰/۳۴۳*	۰/۱۷۹	۰/۲۲۰	۰/۴۳۱**	۰/۳۱۳*	۰/۳۴۷*
	مهارت های اجتماعی	۰/۳۰۷*	۰/۱۳۶	۰/۲۵۶	۰/۲۳۵	۰/۳۲۲*	۰/۳۵۱**

نتایج آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۲) نشان داد در گروه طلاق بین بلوغ عاطفی و مهارت های اجتماعی رابطه معنی دار مثبتی در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد و بین بلوغ عاطفی و اعتماد روابط بین فردی رابطه معنی داری وجود ندارد (p>۰/۰۵). در گروه عادی بین بلوغ عاطفی و مهارت های اجتماعی رابطه معنی دار مثبتی در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد و بین بلوغ عاطفی و اعتماد روابط بین فردی رابطه معنی داری وجود ندارد (p>۰/۰۵).

جدول ۳ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی با بلوغ عاطفی

مدل	R	R2	R2 تعدیل شده	F	sig
۱	۰/۷۹۹	۰/۶۳۹	۰/۶۰۶	۱۹/۲۷۹	۰/۰۰۱

برای بررسی نقش اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی در درک بلوغ عاطفی از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. ابتدا مفروضه های آزمون رگرسیون چندگانه بررسی شد. نتایج جدول ۳ نشان می دهد مدل رگرسیون چندگانه معنی دار بود ($F= ۱۲/۲۷۹$ ، $P < ۰/۰۰۱$) بدین معنی که ۰/۶۳ از واریانس مشاهده شده در بلوغ عاطفی از طریق اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی توجیه می شود. نتایج مربوط به معادله های رگرسیون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ ضرایب بتای متغیرهای اعتماد بین فردی و مهارت های اجتماعی بر بلوغ عاطفی

Sig	T	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	خطای معیار	
۰/۰۰۱	۱۲/۱۴		۲۳/۶۰	مقدار ثابت
۰/۶۹۹	۰/۳۸۸	۰/۰۳۴	۰/۵۹۶	پیش بینی
۰/۷۱۴	۰/۳۶۸	۰/۰۷۳	۰/۹۳۵	قابلیت
۰/۷۳۲	۰/۳۵۲	۰/۰۶۵	۰/۸۴۸	وفاداری
۰/۵۶۴	۰/۶۰۶	۰/۱۱۹	۰/۴۳۵	اعتماد روابط بین فردی
۰/۰۰۱	۴/۳۶۶	۰/۲۹۹	۰/۳۲۵	مهارت مناسب
۰/۱۰۲	۱/۶۵۲	۰/۱۴۶	۰/۴۴۷	رفتار
۰/۰۰۱	۶/۹۸۶	۰/۵۵۶	۰/۳۶۶	پرخاشگری
۱۰۹	۱/۶۱۸	۰/۱۲۶	۰/۴۴۱	برتری
۰/۰۰۱	۴/۹۹۶	۰/۳۷۵	۰/۴۸۲	رابطه با همسالان
۰/۰۰۳	۳/۰۰۲	۰/۳۲۶	۰/۱۸۳	مهارت های اجتماعی

در جدول ۴ مقدار ضرایب غیر استاندارد بتا و سطح معنی داری ارائه شده است، بر اساس جدول مشخص است که متغیر پرخاشگری با ضریب بتای ۰/۵۵۶، رابطه با همسالان با ضریب بتای ۰/۳۷۵، مهارت مناسب با ضریب بتای ۰/۲۹۹ و مهارت های اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۲۶ نقش اصلی در پیش بینی بلوغ عاطفی دارند. بر اساس میزان بتای متغیرها می توان گفت که در پیش بینی بلوغ عاطفی متغیر پرخاشگری نقش اصلی را دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در گروه فرزندان طلاق، بین بلوغ عاطفی و مهارت های اجتماعی رابطه معنی دار مثبتی در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد و بین بلوغ عاطفی و اعتماد روابط بین فردی رابطه معنی داری وجود ندارد. در گروه عادی بین بلوغ عاطفی و مهارت های اجتماعی رابطه معنی دار مثبتی در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد و بین بلوغ عاطفی و اعتماد روابط بین فردی رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، رابطه با همسالان، مهارت مناسب و مهارت های اجتماعی نقش اصلی در پیش بینی بلوغ عاطفی دارند. این

یافته با نتایج پژوهش دهستانی و همکاران (۱۳۹۸)، لی و همکارانی (۲۰۲۰) همسو می باشد که مطرح می کنند بلوغ عاطفی و اضطراب اجتماعی می تواند مهارت ارتباط بین فردی را پیش بینی کند. همچنین بر اساس یافته ها، می توان نتیجه گیری کرد که با تقویت بلوغ عاطفی و اضطراب اجتماعی می توان مهارت ارتباط بین فردی را در دانش آموزان تقویت کرد.

تحقیقات نشان می دهد، نوجوانانی که بلوغ عاطفی کمتری دارند، از توانایی کمتری نیز برای سازگاری عاطفی با محیط و مهارتهای اجتماعی برخوردار هستند (تام، ۱۴۰۰؛ جعفری هرندی، ۱۳۹۸). مرلر^۱ (۲۰۰۵) سه عامل را به عنوان بلوغ عاطفی در نظر گرفت (توانایی مواجهه با واقعیت، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، تمایل به صادقانه بودن) است. براساس این معیارها، می توان گفت که برقراری ارتباط خوب با دیگران (مهارتهای اجتماعی)، زمینه را برای بالا بردن سطح بلوغ عاطفی بین افراد مهیا می کند. همچنین افزایش بلوغ عاطفی می تواند فشار روانی ناشی از درون افراد را برطرف ساخت و توانایی هایی چون صبوری و مدارا را در هنگام عصبانیت و درک و فهم به منظور ارزیابی افکار و خلق و خوی و تنظیم آنها به گونه ای که موجب رشد و تعالی شود را افزایش دهد.

والدین به عنوان اصلی ترین الگوهای رفتاری فرزندانشان می باشند. کودکان از طریق اصل یادگیری مشاهده ای در روان شناسی تربیتی و تقلید از نحوه برخورد والدین با مسائل عاطفی، به مسائل مختلف واکنش نشان می دهند. به عبارت دیگر طبق نظر بندورا تأثیر پذیری فرزندان از رفتار والدین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی صورت می گیرد، بر اساس این نظریه رفتار از دو راه یاد گرفته می شود: الف/ پاداش دادن، ب/ مشاهده آگاهانه و تصادفی رفتار دیگران. او با توجه به این مطلب بیان میدارد که همانند سازی با والدین و بزرگسالان و الگو برداری از آن ها، اهمیت ویژه ای در رشد و یادگیری دارد، به علاوه او عنوان میدارد که دو دسته عوامل فردی و محیطی بر فرد تأثیر خواهند گذاشت، عوامل فردی به توانایی خود در انجام کار و عوامل محیطی به نقش الگوهای مختلف مانند خانواده تأکید دارد (بندورا، ۲۰۰۰). با توجه به این نظریه، انسان ها رفتارهای خود را با سرمشق گیری از جامعه فرا میگیرد و چون بیشتر وقت خود را در خانواده می گذرانند، بنابراین بسیاری از رفتارهای والدین را الگو برداری می کنند. بنابر این اگر والدین صادقانه به کودک محبت کرده و به او اعتماد کنند، او نیز دوست داشتن دیگران و مورد توجه بودن را یاد میگیرد که این موضوع بلوغ عاطفی او را تحت تأثیر قرار می دهد.

تاکنون، تحقیقاتی که به بررسی روابط بین فردی در بین فرزندان طلاق می پردازد، نادر بوده است. می توان گفت که دوران بلوغ، یکی از حساسترین مراحل رشد است و نوجوانان باید تغییرات زیست شناختی و اجتماعی را که در مفهوم خود تجربه کرده اند؛ کامل کنند و تعارضات و شک های خود را حل کنند تا بنای شخصیتی بالغ پی ریزی و در نهایت بلوغ حاصل شود. بلوغ جنبه های مختلفی دارد. یکپاز جنبه های آن بلوغ عاطفی است. برجسته ترین علامت بلوغ عاطفی توانایی تحمل تنش است. افراد بالغ از نظر عاطفی به برخیز محرکاتی که بر کودکان یا نوجوانان اثر می گذارد و آنها را بی حوصله یا دستخوش احساسات می کند؛ بی تفاوت هستند و از نظر عاطفی پیوسته ظرفیت شادی و تفریح دارند و از کار و تفریح با هم لذت می برند. طلاق، فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع

¹ Merler

می‌شود و مسئله طلاق والدین باعث می‌شود ثبات عاطفی فرزند دچار اختلال شده و با هدف اعتراض به تصمیم والدین ناسازگاری اجتماعی وی را به همراه خواهد داشت. در این راستا نتایج ما که به نقش عدم معنادار اعتماد بین فردی با بلوغ عاطفی اشاره می‌کند، تعجب آور نیست. کودکی که به دلایل تنش در محیط خانواده و مشاهده بگومگوهای بین والدین خود به بلوغ عاطفی نرسیده نمی‌تواند اعتماد بین فردی را به خوبی درک کرده باشد و این تنش‌های خانوادگی کودک را دچار تزلزل در شناخت درست عواطف می‌کند (گونزاکا، کلتنر، لوندال، و اسمیت، ۲۰۰۱) با توجه به نظریه رشد تکاملی (بارت، دانبار، و لیست، ۲۰۰۲). سطح پایینی از شناخت عواطف و اعتماد بین فردی در خانواده ممکن است به مشکلات ناسازگاری در کودکان منجر شود. افرادی که بلوغ عاطفی کمتری دارند، هیجانات خود را کمتر کنترل می‌کنند و ممکن است به موقعیت فشارزا تنها با تخلیه هیجانات و رفتارهای ناسازگارانه پاسخ دهند؛ زیرا این افراد روش جایگزین مناسب برای پاسخگویی به استرس ندارند. نوجوانانی که طلاق والدین خود را تجربه نموده‌اند؛ احساس وابستگی نسبت به دیگران نشان می‌دهند؛ خودبین هستند و مردم او را غیر قابل اعتماد می‌دانند و به طور کلی فقدان استقلال آنان را در پی خواهد داشت. در ضمن زمان اجرای پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت. با توجه به گسترش و شیوع کرونا امکان حضور در مدارس، دانشگاه‌ها، بهزیستی و ... به منظور توزیع حضوری پرسشنامه برای پژوهشگر امکان پذیر نبود؛ لذا از پژوهشگران خواهشمندیم در هنگام کاهش یا رفع کرونا پرسشنامه‌ها را به صورت حضوری در بین نمونه آماری توزیع کنند، چرا که پرسشنامه‌های مجازی فرصت‌های اندکی را برای کسب اطلاعات فراهم می‌کنند. همچنین اکثر خانواده‌های طلاق از اثرات منفی ناشی از این اتفاق بر فرزندان‌شان اطلاعات کامل و درستی و شیوه‌های صحیح برخورد با آن‌ها آگاهی ندارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود با مشارکت خانواده‌ها در برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌ها و جلسات از بروز برخی از مشکلات عاطفی و رفتاری در این دسته از فرزندان پیشگیری به عمل بیاید.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله بر خود لازم می‌دانیم از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال سپاسگزاری و تشکر را ابراز نماییم.

منابع

- ایمانی، رمضان، و محب، نیما. (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندان‌شان. *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۶)، ۲۹-۴۹.
- بوالهری، جعفر؛ رمضان زاده، فاطمه؛ عابدی نیا، نارینین؛ نقی زاده، محمد مهدی (۱۳۹۵). بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهرانی. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایرانی*. ۸(۱)، ۸۳-۸۳.

- یابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). رابطه میان عزت نفس، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستانهای تهران. *مطالعات روانشناختی*. ۱(۴)، ۱۴۴-۱۳۱.
- تام، فرشته. (۱۴۰۰). *مقایسه سازگاری اجتماعی و بلوغ عاطفی دبیران مجرد و متأهل*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- جعفری هرندی، رضا؛ رجایی موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۸). رابطه بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده در بین دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر قم. *اندیشه های نوین تربیتی*-147, 15(2), 172.
- خدادادی، جواد؛ کلائی، اعظم. (۱۳۹۸). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در باتر خانواده سالم متنی بر بافت فرهنگی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرمانی*. ۱۱(۴)، ۲۷-۶۰.
- دهستانی، مهدی، و ابراهیمی، محمدرضا، و ابوهاشمی مقدم، سعید. (۱۳۹۸). پیش بینی مهارت ارتباط بین فردی در دانش آموزان بر اساس میزان بلوغ عاطفی و اضطراب اجتماعی. *پژوهش های روان شناسی اجتماعی*. ۱۰(۳۶)، ۱۱۵-۱۲۸.
- شریفی ریگی، علی. (۱۳۹۷). نقش بلوغ عاطفی، خودتاب آوری و هوش معنوی در پیش-بینی سازگاری با دانشگاه با کنترل انعطاف پذیری شناختی در دانشجویان پسر. *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ۴(۳)، ۱-۱۲.
- شهیم، سیما. (۱۳۹۹). *مقایسه مهارت های اجتماعی و مشکلات رفتاری در دو گروه از کودکان عادی و مبتلا به اختلالات یادگیری در خانه و مدرسه*، *مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۳۳(۶)، ۱۲۱-۱۳۸.
- فیروزجاییان، علی اصغر؛ ریاحی، محمداسماعیل؛ محمدی دوست، منصوره. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر. *فصلنامه مطالعات توسعه ی اجتماعی- فرهنگی*، ۵(۳)، ۳۳-۵۹.
- منصورنژاد، زهرا؛ پورسید، سید رضا؛ کیانی، فریبا؛ خدابخش، محمد رضا. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر تحول بلوغ عاطفی دانشجویان دختر در آستانه ی ازدواج. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۵(۵۹)، ۱۵۸-۱۷۰.
- یاوری، علی. (۱۳۹۲). *بررسی سبک های هویت و بلوغ عاطفی با سازگاری اجتماعی معتادان مرد تحت درمان و نگهدارنده متادون مراکز شهر بجنورد*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی گروه آموزش مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان.
- یوسفی، فرید؛ خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارتهای اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس، *فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ۱۸(۲)، ۱۴۷-۱۵۸.

Ahmad Khan, M. (2019). emotional maturity of children of working and non-working mothers – a comparative study. *Developmental Psychology Monograph*, 4(4), 1–103.

Ang, S. (2019). Life course social connectedness: Age-cohort trends in social participation. *Advances in Life Course Research*, 39 . 13-22.

- Baker, A. J. L., & Ben-Ami, N. (2011). To turn a child against a parent is to turn a child against himself: The direct and indirect effects of exposure to parental alienation strategies on self-esteem and well-being. *Journal of Divorce and Remarriage*, 52(7), 472- 489
- Dong, Y. Wang, V. Luan, F. Li, Z. and Cheng, L. (2020). How Children Feel Matters: Teacher–Student Relationship as an Indirect Role Between Interpersonal Trust and Social Adjustment. *Front Psychol.* 2020; 11: 581235.
- Engels, R., Dekovic, M., & Meeus, W. (2018). Parenting practices, social skills and peer relationships in adolescence. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 30, 1, 3-17.
- Gadernann AM, Almas A, Schonert-Reichl KA, Hertzman Human C. (2016). Associations of teacher-rated social, emotional, and cognitive development in kindergarten to self-reported wellbeing, peer relations, and academic test scores in middle childhood. *Early Child Res Q.* 35:76–84.
- Gresham, F.M Van, M. B. Cook, C. R. (2016). Social skills training for teaching replacement behaviors: Remediating acquisition defects in at-risk students. *Behavioral Disorder*, 3, 303-377.
- Hill A. L., Degnan K. A., Calkins S. D., Keane S. P. (2016). Profiles of externalizing behaviour problems for boys and girls across preschool: The roles of emotion regulation and inattention. *Developmental Psychology*, 42, 913–928.
- Li, B. Bos, M. Stockmann, L. Rieffe, C. (2020). Emotional functioning and the development of internalizing and externalizing problems in young boys with and without autism spectrum disorder. *Autism*. 24(1): 200–210.
- Mendez, F.X., Hidalgo, M.D., & Ingles, C.J. (2020). The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters. Psychometric properties of the Spanish translation in the adolescent population. *European Journal of Psychological Assessment*, 18, 30-42.
- Paste, G., & Aminabha Qi, Q. (2016). Impact of emotional maturity on stress and Selfconfidence of adolescents. *Journal of Indian Academy of Applied Psychology*, 32, 69-75
- Rempel, K., & Holmes, G. (1986). Trust in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49, 109-135.
- ingh, D., Kaur, S., & Dureja G. (2018). Emotional Maturity differentials among University Students. *Journal of physical education and Sports Management*; 3(3):41-45.
- Stokkebekk, J. (2019). “Keeping balance”, “Keeping distance” and “Keeping on with life”: Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Children and Youth Services Review*, 102, 108- 119.
- Talwar, V. & Renaud, S. J. (2020). Liar liar! Pants on fire: Detecting the trustworthiness of children’s statements. In K. J. Rotenberg (Ed.). *Interpersonal trust during childhood and adolescence* (pp. 177-199). Cambridge: Cambridge University Press.
- Verissimo, R. (2005). Emotional intelligence, social support and affect regulation. *Acta médica portuguesa*, 18 (5), 345-352.
- Weibe, S. a., & Johnson, S. M. (2018). Creating relationships that foster resilience in emotionally focused therapy. *Current Opinion in psychology*, 13, 65–6.